



کودکان محله امامیه، برای هم‌دردی با دانش‌آموزان شهید وطن در یک نمایش، نقش‌آفرینی کردند

۵۴

زنگ آخر مدرسه میناب



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

قفل ۲ ساله بوستان جنگلی فاطمیه

۳ باز می‌شود؟

شهرداری منطقه ۱۰ وعده داد به شرط تأمین بودجه ۲ ماه دیگر پروژه به پایان می‌رسد

محمدیاسین در روز چهلم رهبر شهید انقلاب ۴۰ درخت کاشت

۷ نذر میوه برای بچه‌های بهزیستی



۶

جوانان مسجد امام حسن مجتبی (ع)، با درک ضرورت فعالیت در جنگ نرم، به اجتماعات این شب‌ها پا گذاشتند

پرچم‌داران رسانه در میدان حجاب

۹

شما می توانید اخبار کوچه و خیابانتان را به شماره ۰۸۵۹۶۴۰۹۳۸۵ در پیام رسان ایتا ارسال کنید.



● میزبانی معلولان از عزاداران رهبر شهید

چهل روز فراق رهبر شهید، بر معلولان آسایشگاه شهید بهشتی محله هنرستان سخت گذشت. آن ها در چهلمین روز شهادت قاندامت اسلام، با تمام زلاییت و جودشان، گرد هم جمع شدند و با حضور در مراسم قرائت قرآن و مداحی، بر داغ از دست دادن پدرشان اشک ریختند.

همچنین از دو هفته پیش، موکبی از سمت مؤسسه خبریه کشوری بوستان «شکوه مهر» در میدان شهید صارمی دایر است که در آن بعضی از ایتام و معلولان مؤسسه، از مردم پذیرایی می کنند. تعدادی از خیران نیز با این موکب همکاری دارند.



● دوخت پرچم توسط خیاطان محله نیرو هوایی

فهمه شهری خیاط محله هاشمیه که پیش از این با آموزش و دوخت رایگان چادر بین اهالی شناخته می شد، از ابتدای جنگ، در زمینه دوخت پرچم فعال است. اقدس اسماعیل زاده، از یک هفته پیش با کمک ۱۰ نفر از دیگر بانوان محله شان این کار را شروع کرده است. از ابتدای جنگ، آن ها در تولیدی پایگاه بسیج شهید جاجرمی در مسجد امام حسن مجتبی (ع) به طور جهادی این اقدام انقلابی را انجام می دهند. این گروه تاکنون بیش از هفت طاقه پارچه پرچم را دوخته و به اقشار و گروه های مختلف از جمله، سپاه، جهاد سازندگی، موکب ها و اهالی محل و... داده اند.

● دلبریان، این بار در سنگر خیابان

سخنرانی علیرضا دلبریان، راوی دفاع مقدس، در اجتماع مردمی میدان هشتصد، مورد استقبال جوانان محله قرار گرفت. صحبت های این راوی، درباره هشت سال جنگ تحمیلی و رهبر شهید بود اما در عین حال توانست دیدگاه های حاضران را درباره موضوعاتی همچون آتش بس یا تداوم جنگ فعلی، روشن تر کند.

به گفته محمد قاسم زارع، فعال فرهنگی مسجد حضرت زهرا (س) که دعوت کننده دلبریان به این اجتماع مردمی بود، نوجوانان و جوانان حاضر در برنامه، بعد از سخنرانی این راوی دفاع مقدس، بیش از قبل پذیرفتند که باید دیدگاه های شخصی را کنار بگذارند و ضمن واگذار کردن مسائل دیپلماتی به سران کشور، دنبال حفظ کردن سنگر خیابان باشند.



● استقبال جوانان از کلاس های امداد و نجات

دوام ثامن منطقه ۹ روزهای شلوغ و پرمخاطبی را پشت سر می گذارد. با توجه به شرایط جنگی کشورمان، شهروندان بسیاری متقاضی حضور در کلاس های آموزش بحران هستند. طی دو هفته گذشته، بیش از ۱۰ کلاس در مساجد منطقه توسط گروه دوام ثامن برگزار شده است و در آن ها بیش از هزار نفر آموزش های اولیه، فوریت های اورژانس و پدافند غیرعامل را فرا گرفته اند. نکته شایان توجه در کلاس ها این است که تا پیش از این، اغلب متقاضیان، از گروه سنی بیشتر از چهل سال بودند اما در شرایط اخیر کشور، اغلب شرکت کنندگان در دوره ها را افراد کمتر از چهل سال و جوانان تشکیل می دهند.

دوره می خوش نویسان منطقه مادر بوستان لاله برپاست

شب های هنری در اجتماع مردمی

ریاحی ادورهمی خوش نویسان منطقه مادر پارک لاله و محله آب و برق، باعث شکل گیری پلاکاردهای زیبایی شده است که هنرمندان روی آن ها عبارات مختلفی نوشته اند. یکی نوشته است: «خستگی ممنوع! ما به قله نزدیکیم». آن یکی نوشته است «تورستم تهنتمنی، بزن که خوب می زنی». عبارت «به حرمت همه کودکان غرق به خون، شنیده می شود آواز مرگ صهیون» روی پلاکارد دیگری دیده می شود. این نمایشگاه در فضایی صمیمی و با حضور فعال هنرمندان، هر شب از ساعت ۲۰ در بوستان لاله برپاست و همه افراد علاقه مند به خوش نویسی، می توانند از این نمایشگاه دیدن یادگران شرکت کنند.



مهربانی دانش آموزان «مفتاح»

با همت و همراهی دانش آموزان و اولیای آن ها، پویش مردمی و خداپسندانه «مشهد مهربان» با هدف کمک به زندانیان جرائم غیر عمد در دبستان دخترانه مفتاح برگزار شد. در این برنامه فرهنگی و انسان دوستانه، فضای مدرسه سرشار از حس همدلی، نوع دوستی و مشارکت اجتماعی بود و دانش آموزان با اشتیاق در این حرکت ارزشمند حضور یافتند.

خانواده ها نیز با همراهی صمیمانه خود، نقش مهمی در موفقیت این پویش ایفا کردند. ثمره این همدلی و مهربانی، جمع آوری بیش از ۱۷ میلیون تومان کمک مردمی بود که گامی مؤثر در مسیر آزادی زندانیان و حمایت از خانواده های آنان به شمار می رود.

پیاده روی های هموار برای «سرافرازان»

پروژه پیاده روی سازی بولوار سرافرازان از تقاطع بولوار نماز تا انتهای بولوار سرافرازان با پیشرفت فیزیکی پنجاه درصدی همراه بوده است. تا پیش از این، پیاده روی های بولوار سرافرازان در بخش هایی خاکی و در بخش هایی هم با پستی و بلندی هایی همراه بود که همین موضوع، مشکلات بسیاری برای اهالی به وجود آورده بود. از این رو پروژه بهسازی پیاده روی های بولوار سرافرازان با اعتباری بالغ بر ۱۱۱ میلیارد ریال و به همت اداره فنی و عمران کلید خورد. براساس برنامه زمان بندی، این پروژه تا پایان بهار امسال به بهره برداری می رسد و در اختیار شهروندان قرار می گیرد.



۹



قفل ۲ ساله بوستان جنگلی فاطمیه باز می شود؟

شهرداری منطقه ۱۰ وعده داد به شرط تأمین بودجه ۲ ماه دیگر پروژه به پایان می رسد



رضاریاحی ۲۳ مهر سال گذشته بود که به سراغ بوستان جنگلی نیمه کاره خیابان فاطمیه ۷ در محله لشکر رفتیم. فضای سبزی که با درختان قدیمی و ریشه دار، جزو پاتوق های تفریحی اهالی محله لشکر به حساب می آمد. اما از اوایل سال گذشته و در کش و قوس ساخت بوستان جنگلی، برای اهالی بدون استفاده مانده بود. تا مهر ماه سال گذشته، بخشی از پروژه اجرا شده بود. اما پوی مصالح ساختمانی و کف پوش ها در کنار خیابان صدای اهالی را آورده بود؛ مصالحی که زیر برف و باران مانده بود و همین موضوع از نگاه شهروندان حیف و میل بیت المال به حساب می آمد. چند روزی است که پروژه ساخت بوستان جنگلی خیابان فاطمیه ۷ از سر گرفته شده است اما هنوز هم اهالی از روند ساخت آن رضایت ندارند.

یک روز کارگران هستند، یک روز نه!

بوستان جنگلی بولوار فاطمیه، هم از معبر فرعی فاطمیه ۵ راه دارد و هم از فاطمیه ۷. یک فضای سبز کاربردی که اگر کامل شود، با مسیرهای پیاده روی و درختان سرسبز و زیبا این دو معبر را به هم متصل می کند.

یکی از اهالی به نام صابر تقی زاده به ما می گوید: ما شرایط رادارک می کنیم؛ جنگ است و همین موضوع بر روند اجرای پروژه های عمرانی شهرداری تأثیر می گذارد. اما ساخت این بوستان جنگلی از اوایل سال ۱۴۰۴ آغاز شد و در طول این یک سال، بیشتر وقت ها کار اجرای پروژه تعطیل بوده است. یک بار با اهالی جمع شدیم و به شهرداری رفتیم. چندین بار هم با سامانه ۱۳۷ تماس گرفتیم، هر بار به ما وعده دادند که به زودی ساخت پروژه از سر گرفته می شود.

به گفته او حالا چند روزی است که این پروژه آغاز شده ولی باز هم شرایط مناسب نیست. یک روز کارگران سرکار هستند و یک روز نه! تقی زاده می افزاید: امیدوارم شهرداری همت کند و پروژه به پایان برسد.

سه بار با سامانه ۱۳۷ تماس گرفتیم

همان طور که در پارک قدم می زنیم، یکی از شهروندان، خودش را به ما می رساند و می گوید: خود من حداقل سه بار با سامانه ۱۳۷ تماس گرفتم و با شهردار منطقه ۱۰ گفت و گو کردم. آقای برجسته نژاد در پاسخ به عقب افتادن اتمام این پروژه گفت که اداره فضای سبز شهرداری منطقه درگیر ساخت بوستان بانوان ادیب است و بعد از اتمام آن، همه نیروهایش را برای اتمام پروژه بوستان جنگلی

فاطمیه ۷ به کار خواهد گرفت. رضا قدرتی که پیش تر هم با او گفت و گو کرده بودیم، ادامه می دهد: بیشتر از سه ماه از ساخت بوستان ادیب می گذرد اما روند اجرای پروژه، آن طور که ما انتظار داشتیم، پیش نمی رود. این در حالی است که اجرای این پروژه در ابتدا با سرعت خیلی خوبی آغاز شد و همگی اهالی انتظار داشتند بوستان جنگلی محله شان تا پیش از تابستان ۱۴۰۴ احداث شود.

۲ ماهه تا پایان کار

موضوع نیمه کاره ماندن بوستان جنگلی بولوار فاطمیه را با معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ در میان می گذاریم. سعید میرسعیدی در این باره به شهرآرامحله می گوید: پروژه بوستان جنگلی بولوار فاطمیه از اولویت های فضای سبز شهرداری منطقه ۱۰ است. اما به خاطر مشکلات مالی که سال گذشته با آن روبه رو شدیم، پیمانکار حاضر نشد کار را ادامه دهد.

او در ادامه توضیح می دهد: ابتدای امسال، بخشی از طلب پیمانکار پرداخت و روند اجرای پروژه از سر گرفته شد. به دلیل وضعیت آب و هوا و مشکلات مالی نمی توانیم تاریخ دقیقی برای پایان پروژه اعلام کنیم اما اگر شرایط مالی مساعد باشد، ساخت این بوستان طی دو ماه آینده به پایان می رسد.

میرسعیدی در پایان توضیح می دهد: اتمام این پارک جنگلی، کار چندانی ندارد. چراغ های برق، نیمکت ها، کف پوش ها و... خریداری شده است و در انبار شهرداری قرار دارد؛ فقط می بایست مسیرهای پیاده روی آن تکمیل شود تا چراغ های برق و نشیمن و تجهیزات ورزشی پارک را جانمایی کنیم.

آب سرد و گوارا برای عابران منطقه ما

در راستای ارتقای رفاه عمومی، افزایش و تأمین نیاز شهروندان و زائران، ۲۸ دستگاه آبخوری و آب سردکن نصب و راه اندازی می شود. این آبخوری ها در فضاهای عمومی و معابر پر تردد نصب شده اند. نگهداری مستمر، نظافت دوره ای و پایش بهداشتی این تجهیزات به صورت منظم توسط نیروهای خدمات شهری منطقه انجام خواهد شد.

نقش های بهاری بردیوارها

با فرارسیدن بهار ۱۴۰۵ طرح ها و نقش های زیبایی به دست هنرمندان بردیوارهای منطقه ۱۰ نقش بسته است. در این طرح، بیش از ۷ هزار مترمربع از دیوارهای محلات منطقه ما با اعتباری بالغ بر ۲۰ میلیارد ریال زیبا سازی شده که شامل دیوارهای مدارس، بوستان ها و معابر عمومی است.

شهرداری، پای کار آموزش مهارت زندگی

کارگاه آموزشی با موضوع تربیت فرزند، در سالن اجتماعات شهرداری منطقه ۱۰ برگزار شد. آموزش ندادن مهارت های لازم به بچه ها در محیط خانواده، کاهش روحیه مسئولیت پذیری در فرزندان و مشکلات متعدد تربیتی از دلایل برگزاری این دوره آموزشی بوده است.



ریاحی | شهردار منطقه ۱۰ از کسب رتبه نخست این منطقه در پیشرفت فیزیکی پروژه های عمرانی و رتبه دوم ریالی این پروژه ها در سال ۱۴۰۴ خبر داد. وحید برجسته نژاد با بیان این خبر گفت: با توجه به گزارش مقایسه ای و ارزیابی انجام شده از سوی معاونت برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری مشهد، این منطقه توانست رتبه برتر را در پیشرفت فیزیکی و ریالی پروژه های عمرانی در سامانه مدیریت و کنترل پروژه شهرداری کسب کند. وحید برجسته نژاد در ادامه بیان کرد: بر اساس گزارش عملکرد مناطق در سامانه مدیریت و کنترل پروژه طی سال گذشته، منطقه ۱۰ با ۱۷ میلیارد تومان اعتبار و ۷۶ درصد پیشرفت فیزیکی، بالاترین رتبه را در مقایسه با دیگر مناطق در این حوزه کسب کرده است.



شهردار منطقه ۱۰ از کسب رتبه نخست این منطقه در پیشرفت پروژه های عمرانی خبر داد

پیشگام در ساخت و ساز شهر

به گفته برجسته نژاد از ابتدا تا پایان سال ۱۴۰۴، عملیات اجرایی پروژه های عمرانی تعریف شده در منطقه با جدیت و سرعت زیاد در حال انجام است و تاکنون تعداد زیادی از آن ها به پایان رسیده و تعداد دیگری از پروژه ها نیز در حال اجراست. او در پایان به رتبه دوم این منطقه در پیشرفت ریالی اشاره کرد و افزود: با ۵۹ درصد پیشرفت ریالی حائز رتبه دوم بین مناطق سیزده گانه شدیم.

کودکان محله امامیه، برای هم‌دردی با دانش‌آموزان شهید وطن در یک نمایش، نقش آفرینی کردند

زنگ آخر مدرسه میناب



۱۰

داستان جلد

سابقه بازیگری نداشت اما همین که دیدم زمین‌ه حضورش در گروه تئاتر مسجد امام محمد باقر (ع) مهیاست، با اشتیاق آوردمش. احساس می‌کنم این طوری شاید دلگرمی کوچکی برای مادران شهدای میناب باشیم.»
فرهاد، موشک کاغذی را در دستش گرفته است و با شور و شوق آن را به مان‌شان می‌دهد. خودش آن را درست کرده و در خیالاتش آن را به سمت اسرائیل پرتاب می‌کند.

می‌خواهم با تئاتر مقابل اسرائیل بایستم

زهراسادات میرزایی، مادر دلارام، دیگر بازیگر خردسال این تئاتر است. او می‌گوید: من به این تئاتر، فراتر از هنر به عنوان یک راه تربیتی، نگاه می‌کنم. معتقدم این نقش‌ها بچه‌ها را با حق و باطل آشنا می‌کند و باعث می‌شود از کودکی و به‌طور غیرمستقیم، نگاه بصیرتی‌شان شکل بگیرد.
او همان‌طور که عینکش را روی صورتش جابه‌جا می‌کند، با لحنی تأکیدی ادامه می‌دهد: یک سری مفاهیم از جمله نفرت از آمریکا باید از همین کودکی در بچه‌ها نهادینه شود تا در سن نوجوانی بتوانند راه درست را پیدا کنند.

طی کردن مسیر از بولوار شهید فلاحی به سمت بولوار هاشمیو مسیر برگشت در شب هنگام برای زهراخانم که ماشین ندارد، سخت است اما آن قدر جنبه‌های اجتماعی و تربیتی برایش اهمیت دارد که هر شب این سختی را به جان می‌خورد و دخترش را به صحنه تئاتر می‌آورد.

دلارام هفت ساله که کنار مادر است، درحالی‌که کوله پشتی صورتی‌اش را پشتش انداخته و یک آب نبات چوبی در دست دارد، از اینکه دارد تئاتری درباره شهدای هم‌سن و سال خودش اجرا می‌کند، خوشحال است و می‌گوید: آمریکا و اسرائیل فکر کردند می‌توانند کشور ما را بگیرند اما ایرانی‌ها جلوشان ایستادند و نگذاشتند. من هم تئاتر بازی می‌کنم تا این طوری مقابل آن‌ها بایستم و به آن‌ها بفهمانم که ما نمی‌ترسیم و پشت دوستان شهیدمان هستیم و نمی‌گذاریم خونشان پایمال شود.

استقبال مردم از اجرای آن‌ها به این تازه‌بازیگر تئاتر انگیزه داده است. او تعریف می‌کند: مردم خیلی از اجرای ما خوششان آمده است. هر بار می‌گویند عالی هستید و من از این نظر خیلی خوشحالم. مادرش که نکته‌ای یادش آمده است، با تأکید می‌گوید: نقش‌های بچه‌ها در این اجرا خیلی سبک و متناسب با سنشان است. تشویق‌های مردم هم باعث می‌شود که اعتماد به نفسشان بیشتر شود.

اماناگهان... صدای انفجار!...

کودکان گروه تئاتر مسجد امام محمد باقر (ع) که تا چندی پیش در حسینیه مسجد ترمین داشتند حالا دارند در اجتماعات شبانه و نیز حوزه هنری روی صحنه می‌روند. آن قدر کوچک‌اند که نمی‌توان توقع داشت خیلی حرفه‌ای باشند اما مثل بازیگران حرفه‌ای اشک مخاطبان‌شان را درمی‌آورند.
سالن ورودی حوزه هنری، شبیه کلاس درس مدرسه میناب صحنه‌آرایی شده است. نیمکت‌های بچه‌ها چیده شده و کیف و دفتر و کتاب‌هایشان روی میز است. صدای زنگ مدرسه به صدا درمی‌آید و بچه‌ها وارد کلاس درس می‌شوند. انشا دارند، از وطن می‌گویند و آرزوهای کوچک و بزرگشان. اماناگهان... صدای انفجار...! صدای فریاد بچه‌ها بلند می‌شود. معلم‌ها دانش‌آموزان را که تعدادی شان زخمی شده‌اند به نمازخانه مدرسه می‌برند تا والدین دنبالش بیایند اما انگار فرصت نیست. قبل از آمدن والدین دوباره صدای انفجار می‌پیچد و...
معلم می‌خواهد حضور و غیاب کند؛ از یکی فقط کفش صورتی‌اش باقی مانده است؛ از دیگری دست مشت کرده‌اش که مدارنگی‌اش را گرفته!

۱۰ دقیقه فراموش نشدنی

دوباره بچه‌ها وارد صحنه می‌شوند. با بادکنک‌های سفیدی که رویش دستان خونی نقش بسته است. می‌خواهند بگویند اگر خودشان نیستند روحشان هست. به مادرانشان دلگرمی می‌دهند که جایشان خوب است. در آن دنیا جنگ نیست! آرزو می‌کنند برای پیروزی ایران و برای تمام شدن هر ظلم و سختی. معلمان بچه‌ها پرچم ایران را بالای برنند و بچه‌ها دست‌های خون‌آلودشان را نشان می‌دهند و همگی عهد می‌بندند که تا پای جان، پای این پرچم می‌مانند.

این اجرا، ۱۰ دقیقه بیشتر نیست اما می‌تواند ساعت‌ها و روزها ذهن آدم را درگیر کند. راحله هاشمی، مادر فرهاد، یکی از بازیگران کوچک این تئاتر است. او می‌گوید: از ۱۵ فروردین اجرای بچه‌ها در حوزه هنری هاشمیو شروع شد اما هیچ وقت نتوانستم آن را تا آخر ببینم. حتی نمی‌دانم دیالوگ پسر در این تئاتر چیست. همین که صحنه را می‌بینم و صدای انفجار پخش می‌شود، اشک‌هایم می‌ریزد و می‌روم بیرون.
او تعریف می‌کند: موقع حمله اسرائیل، همسرم زنگ زد و گفت برو فرهاد را از مدرسه بیاور. دائم با خودم می‌گویم اگر این اتفاق در مدرسه پسر من افتاده بود...
بغض، صدای راحله خانم را به لرزه می‌اندازد و اشک‌هایش فرو می‌ریزد. بعد از اندکی تأمل دوباره گفت و گورا ادامه می‌دهد: «پسرم چندان

فهمه شهری‌اش کفش‌ها و کوله پشتی‌های خونی، آجرهای شکسته و فروریخته. دفترهای سوخته، خون‌های پاشیده شده بر در و دیوار، نیمکت‌های فلزی به هم ریخته؛ اولین چیزهایی است که در صحنه تئاتر «مدرسه شجره طیبه میناب» توجه را به خود جلب می‌کند. نیاز به هیچ توضیحی نیست. تصاویر چنان همه چیز را یادآوری می‌کند که خیلی‌ها در لحظه در شوک فرو می‌روند. حضور کودکان دبستانی و چرخیدن آن‌ها در صحنه تئاتر، اشک بسیاری از تماشاچیان را در می‌آورد. کافی است مادر باشی تا لحظه‌ای تصور کنی اگر در مدرسه فرزند من چنین اتفاقی می‌افتاد!...
اجرای تئاتر مدرسه شجره طیبه میناب در حوزه هنری انقلاب اسلامی خراسان رضوی، خیلی‌ها را می‌خکوب می‌کند. بازیگران آن نه بازیگران حرفه‌ای بلکه کودکان دبستانی هستند؛ درست شبیه بچه‌های میناب. شبیه بچه‌های من و تو. با چشمانی زلال و دنیایی از آرزو. با کوله پشتی‌های صورتی و لباس‌های فرم مدرسه‌شان. بازیگران این تئاتر یک جمع نه نفره از محله امامیه و گروه تئاتر مسجد امام محمد باقر (ع) هستند اما دارند نقشی فراتر از محله ایفا می‌کنند. آمده‌اند در صحنه و اجتماعات خیابانی تا زبان بچه‌های میناب باشند و به همگان نشان دهند آمریکا و اسرائیل کودک‌کش چه جنایاتی نه در حق مردم و نظامیان بلکه در حق کودکان و مادرانشان انجام دادند. مربی این گروه تئاتر و جبهه ششمالی مقدم و کارگردان آن، هنرمند سرشناس شهرمان، محمد جهان‌پا است.



اسرائیل از مامی ترسد

محمد یاسین محمد رضایی از بینندگان این تئاتر است. این دانش آموز کلاس ششمی هر شب در اجتماعات هاشمی حضور دارد. او می گوید: وقتی داشتند دکور می زدند، فهمیدم تئاتر اجرا می کنند. حواسم بود و وقتی بچه ها آمدند، رفتم حتی تمریناتشان را نگاه می کردم. خیلی خوشم آمد. دشمنان گرم. مردم هم خیلی اجرایشان را دوست دارند. خیلی وقت ها به حاضران در اجتماع می گویم بیایند اجرای بچه ها را ببینند.

علی فروتن که پدری چهل ساله است و پرچم به دست آمده تا اجرای بچه ها را ببیند، می گوید: هرچه در اخبار درباره مدرسه میناب شنیده بودم، اینجا توسط این بچه ها برایم به طور عینی بازسازی شد. الان هم این قدر خنم به جوش آمده است که می خواهم بروم محکم تر فریاد مرگ بر آمریکا و اسرائیل سر دهم.

یکتا مسعودیان، دانش آموز کلاس سومی که همراه مادرش در تجمع و کنار گروه تئاتر حضور دارد، می گوید: بمباران مدرسه میناب نشان داد که اسرائیل چقدر از مامی ترسد. آن مامی ترسند ما بزرگ و مهندس شویم. من و دوستانم وقتی بزرگ شویم، می توانیم کارهای خوبی برای کشورمان انجام دهیم. می توانیم مثل شهید حججی جلوشمن بایستیم. برای همین هم آن هانمی خواهند ما بزرگ شویم. اما ما به کمک معلم هایمان درس هایمان را می خوانیم تا نقشه های آن هانقش بر آب شود و در آینده، فرد مفیدی برای کشورمان باشیم.

اسم میناب که آمد، والدین سنگ تمام گذاشتند

و جبهه ششمالی مقدم مریبی این گروه تئاتر است. او سه سال است که در این زمینه و با خانواده تئاتر مسجد امام محمد باقر^(ع) همکاری دارد. ششمالی توضیح می دهد: نویسنده این تئاتر، مریم شعبانی از تهران است و این تئاتر پیش از این در شهرهای تهران، اصفهان و همدان اجرا شده است.

او می گوید: زهرا بخشی، فرمانده پایگاه بسیج مسجد امام محمد باقر^(ع)، از حدود سه ماه پیش، گروه تئاتر تشکیل داد و من مریبی گروهشان هستم. وقتی از سمت حوزه هنری به من پیشنهاد داده شد اجرای تئاتر مدرسه میناب را در مشهد برعهده بگیرم، از طریق خانم بخشی فراخوانی به گروه تئاتر در مسجد دادیم.

او تأکید می کند: بعد از فراخوان، والدین و بچه ها، خیلی استقبال کردند. اگر همکاری والدین تا این حد نبود، نمی توانستیم به اجرا برسیم. اما چون تئاتر درباره بچه های میناب بود، والدین همه جوره سنگ تمام گذاشتند.

به گفته او ۱۲ فروردین به آن ها اعلام شده که از ۱۵ فروردین در هاشمی اجرا داشته باشند.

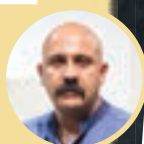
تقویت حس مقاومت در بچه ها

این مریبی تئاتر توضیح می دهد: از ۱۲ تا ۱۵ فروردین به کمک خانم بخشی بچه ها را سرجمع کردیم و همان ۱۵ فروردین که قرار بود اولین اجرا داشته باشیم، تمرینات را شروع کردیم. راستش در ابتدای موضوع برای بچه ها سخت بود. عکس های مدرسه میناب را به آن هان نشان دادم و از خودشان می پرسیدم دوست دارند به جای کدام دانش آموز نقش بازی کنند.

در زمان هایی که بچه ها شوکه یا دچار حس ترس و نگرانی می شدند، مریبی و والدین با تقویت کردن حس مقاومت و وطن دوستی، بچه ها را آرام و برای ادای نقش آماده می کردند. به گفته او، گروه تئاتر مدرسه میناب به صورت کاملاً داوطلبانه و جهادی، از ۱۵ تا ۲۲ فروردین هر شب در حوزه هنری، سه اجرا با فاصله نیم ساعت از ساعت ۲۱ تا ۲۲ داشته اند و پیش بینی شده است که، حداقل یک اجرا در حرم رضوی و حداقل سه اجرا در سطح شهر داشته باشند. آن ها همچنین تاکنون یک اجرا در اجتماع مردمی مسجد امام محمد باقر^(ع) داشته اند. او می گوید: جاهای مختلفی در سطح شهر از اماکن دارند که برویم و برایشان اجرا کنیم اما باتوجه به اینکه سن بچه ها کم است، باید طوری برنامه ریزی کنیم که خسته نشوند.



مهم این است که پای کار باشیم



صحنه آرایی این تئاتر توسط باشگاه تئاتر رشد و بنیاد برکت انجام گرفته و کارگردانی آن به محمد جهان پاسپرده شده است.

جهان پای اجرای تئاتر توسط یک گروه کودک محلی در اجتماعات هاشمی را اتفاقی خوب عنوان می کند و می گوید: شرایط فعلی فرصت خوبی است تا بچه ها هم آموزش ببینند و هم روی صحنه اجرا داشته باشند. او ادامه می دهد: نقش آفرینان تئاتر مدرسه شجره طیبه میناب، افرادی خوش ذوق، خوش قول و پای کار بودند و با اینکه در این ایام، خانواده ها نگرانی هایی برای رفت و آمد و بچه هایشان

دارند، والدین این بچه ها با گروه به خوبی همراهی کردند. این کارگردان تئاتر درباره سطح کیفی کار می گوید: در اجراهای این چنینی با توجه به شرایط فعلی جامعه بیش از آنکه سطح کیفی و حرفه ای مطرح باشد، این مهم است که پای کار باشیم؛ زیرا احتیاج به نقش آفرینی همه اقشار و از جمله کودکان داریم. به گفته جهان پای، بازیگران حرفه ای تئاتر به زمان نیاز دارند تا بتوانند نقشی را اجرا کنند اما در شرایط جنگی، لازم است گروه هایی به صورت ضربتی وارد میدان شوند.

این هنرمند فراهم شدن فرصت برای گروه های محلی را اقدامی مثبت و تأثیرگذار می داند و توضیح می دهد: در شرایط امروز جامعه باید هرکس هرکاری از دستش برمی آید، انجام دهد و

هر نوع اقدامی هر چند کوچک، در تاریخ می ماند و اثرگذار است. او با اشاره به توجه مردم به این دست اجراها، می گوید: استقبال مردم نشان می دهد که نیاز مبرمی به چنین فعالیت هایی هست اما متأسفانه انجمن تئاتر نتوانسته بستری برای حضور هنرمندان فراهم کند و در حالی که بسیاری از هنرمندان تئاتر بیکار هستند، حوزه هنری دارد به تنهایی فضای هنری این روزهای جامعه را به دوش می کشد.

جهان پای از حادثه مدرسه میناب به عنوان یک تراژدی غم انگیز در سطح دنیا نام می برد و می افزاید: با تئاتر می توانیم زبان گویای این حادثه و تسلی بازماندگان نشان باشیم.





جوانان مسجد امام حسن مجتبی (ع)، با درک ضرورت فعالیت در جنگ نرم، به اجتماعات این شب‌ها پا گذاشتند

پرچم‌داران رسانه در میدان حجاب

سمیرا شاهیان | میدان حجاب
دیگر آن میدان همیشه نیست که فقط مرکز رفت و آمدهای روزمره اهالی باشد. با آغاز جنگ تحمیلی سوم، از ساعت ۸ شب به بعد، وقتی پایه میدان می‌گذریم، اولین چیزی که به چشم می‌آید، حضور گسترده مردم با پرچم ایران است. بیش از چهل شب است که میدان، چهره همبستگی به خود گرفته و عرصه بیداری جمعی شده است. اگر قبل از نهم اسفند، مردم در اینجا از ساعتی به بعد، خلوتی شبانه را تجربه می‌کردند، حالا تا دیروقت جمعیتی را می‌بینند که هیچ نشانی از خستگی در چهره‌هایشان پیدا نیست. همین حضور پیوسته و دغدغه‌مند مردم، تعدادی جوان و نوجوان را سر ذوق آورده است که شکوه در میدان را ثبت و ضبط کنند. آن هم وقتی گرداگرد میدان بزرگ حجاب، جمعیت مرد و زن با پرچم ایران می‌ایستند و در بخشی از آن هم زنجیره انسانی تشکیل می‌شود. در ادامه با اعضای کانال «اجتماع میدان حجاب» گفت و گو می‌کنیم.



انداخته است، زیر نم باران مشغول هدایت نوجوانان است. او که از سال ۹۷ مریی بچه هاست و در کنارش هم مسئول کانون نوجوانان مسجد امام حسن مجتبی (ع) است، می‌گوید: در حال حاضر توانسته ایم حدود ۳۵ عضو در پیام رسان ایتا و تقریباً نصف این تعداد را در پیام رسان روبیکا جذب کنیم. ما همچنین قصد داریم از ظرفیت کانال برای آشنایی کسبه یا دیگر اقشار با هم و اطلاع رسانی مراسم محلی استفاده کنیم. همچنین اضافه می‌کند: تعدادی از اهالی محله همدلانه مشارکت می‌کنند و گاهی خودشان تولیداتی برایمان می‌فرستند. هر شب هم با کاغذهای کوچک، راه‌های ارتباطی با کانال‌ها را اطلاع رسانی می‌کنیم. او می‌گوید: با اینکه ممکن است به چشم نیاید، ولی خدا را شکر مسجد و کانون علمی پژوهشی انتظار، نوجوان محور است. به نظر من این نوجوانان هادر سال‌های آینده با تجربه‌هایی که در میدان به دست می‌آورند تبدیل به نیروهای توانمند کانون می‌شوند.



هر گوشه میدان، ده‌ها سوژه

نوجوانان ما با موبایل میان جمعیت می‌چرخند و سراغ شهروندان می‌روند. رضایتمند خواهد بود که در آماده کردن پوسترها خیلی می‌کوشد یکی از آن‌هاست. او می‌گوید: قبل از شکل‌گیری این اجتماعات کار رسانه‌ای ما به جلسات هفتگی هیئت، برنامه‌های مسجد و فعالیت‌های پایگاه خلاصه می‌شد. اما با شکل‌گیری این اجتماعات هر گوشه میدان، ده‌ها سوژه و روایت به وجود آمد. سجاد پدی، دیگر عضو تیم رسانه پایگاه بسیج حضرت ابوالفضل (ع)، اضافه می‌کند: موضوعات در میدان خیلی متنوع هستند. کار ما این طور تعریف شده که از این همه تنوع، قاب‌ها و روایت‌هایی استخراج کنیم برای قدردانی از مردمی که می‌آیند و اطلاع رسانی به کسانی که بی‌خبر هستند. برای همین باید مدام میدان را رصد کنیم و با توانایی کم خودمان، روایت بسازیم. او که در گشت‌های شبانه هم حضور داشته است، تعریف می‌کند: چون نوجوانان از گشت‌های شبانه و دیگر کارها استقبال خوبی کرده بودند، کار رسانه کم‌رنگ شده بود. برای همین من سعی کردم با ثبت لحظات میدان، حس غرور مردم را تقویت و مردم دور از میدان را برای حضور ترغیب کنم. در همه این شب‌ها دیدن پیرمرد و پیلجری که هر شب در میدان اشک می‌ریزد، توجه سجاد را به خود جلب کرده است و می‌گوید: این اتفاقات، وظیفه ما را برای بودن و قوی کار کردن بیشتر می‌کند.

که می‌آییم در کنار پیگیری فهرست برنامه‌ها و کارهای موبک، نمی‌توانیم به جلوه‌های مختلف حضور مردم چشم‌بندیم. به همین دلیل نوجوان‌هایی که از قبل کنار من بودند، شروع کردند به عکس و فیلم گرفتن از مردم. این فعال مسجد امام حسن مجتبی (ع) ادامه می‌دهد: ما مثل یک کارواچ، هر شب، کلیپ اجتماعات آماده و روی کانال بارگذاری می‌کنیم. در این مدت، سعی کردیم با همه مشغله‌هایمان، تهیه کلیپ‌ها به تأخیر نیفتد؛ هر چند که هنوز خیلی جای کار دارد.



جاذبه‌های میدان، پویایی کانال

تیم رسانه «اجتماع میدان حجاب» سراغ شهروندان می‌رود و صدای مردم را ثبت می‌کند. از دل همین میدان، روایت‌هایی بیرون می‌کشد که در کانال‌های محلی منتشر می‌شود. امیرمهدی شایسته، سرپرست نوجوان‌های فعال در کانال اجتماع، با اشاره به کوچک‌ترین شرکت‌کننده در یکی از شب‌های اجتماعات بیان می‌کند: کودکی در کالسکه‌اش نشسته و با هر دو دستش پرچم ایران گرفته بود. برادرش به او «حیدر، حیدر» می‌گفت و کودک در حالی که ادای کلمه برایش سخت بود، با شیرین‌زبانی، کلماتی تکرار می‌کرد و پرچم‌ها را تکان می‌داد. او اضافه می‌کند: ما از این جاذبه‌ها سر ذوق می‌آییم و هر روز سعی می‌کنیم با تولید محتواهای مختلف، کانالمان را پویاتر کنیم. به ویژه از وقتی اجتماع مساجد دیگر هم به میدان حجاب افزوده شد، تقریباً فعالیت‌های رسانه‌ای ما هم جدی‌تر شد.

حضور امروز، توانمندی فردا

در شب‌سی و نهم میدان داری، امیرمهدی که یک چفیه روی دوشش

بازتاب حضور واقعی در فضای مجازی

در گوشه‌ای از میدان، موبکی برپا شده است که با چای از مردم پذیرایی می‌کند. گرداننده موبک چای، مسئول تیم جمع و جور رسانه میدان حجاب هم هست. این تیم باره اندازی کانال «اجتماع میدان حجاب» در پیام رسان ایتا و روبیکا سعی می‌کند حضور شبانه و دغدغه‌مند مردم را ثبت کند. به ویژه از روزی که دشمن صهیونی آمریکایی تهدید به هدف قرار دادن نیروگاه‌های برق کرده، جمعیت مردم، تغییر آرایش داده و به شکل زنجیره انسانی با پرچم یکپارچه ایران درآمده است. در زمان ورود، ناخودآگاه نگاهمان به سمت همین زنجیره انسانی کشیده می‌شود. بانوان، مردها و کودکان، هر کدام سهمی در این زنجیره دارند. امیرمهدی شایسته، مسئول کانال مردمی اجتماع، می‌گوید: در این زنجیره، ما می‌بینیم که در ظاهر فقط دست‌ها به هم متصل است، در حالی که در باطن پیوند دل‌هاست. اصلاً نمی‌شود این شور و حرارت را دید و در فضای مجازی کاری نکرد. یکی از کارهای ما در کانال‌های پیام رسان، انتشار عکس از جنبه‌های متفاوت حضور در میدان است؛ هر شب تقریباً سعی عکس در چندین پست بارگذاری می‌کنیم؛ از مادران با بچه‌های شیرخوار، از پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها، جوانان با دست‌نوشته‌ها و شعارهایشان، رنگ آمیزی روی صورت کودکان و ماشین‌نویسی‌ها.



شروع کار رسانه در میدان

دعای استغاثه به امام زمان (عج) در فضا طنین می‌اندازد؛ هم‌نواپی و باسوز و آه. صدای «الغوث، الغوث» از جمعیت بلند می‌شود و در میدان می‌پیچد. این دعای شبانه برای مردم هم رنگ التماس دارد و هم امید. شایسته که یک جوان دانشجوی رشته مهندسی پزشکی است، می‌گوید: ما در میدان، کار رسانه را شروع کردیم. هر شب ساعت ۶





اهالی محله استاد یوسفی ۱۵ سال است پاتوقی دل نشین برای ورزش و دورهمی دارند

سبز و زیبا مثل «ارکیده»

توپ فوتبال در دست. دودرخت را تیر دروازه کرده اند. یکی دروازه می ایستد و آن یکی شوت می زند. محسن می گوید: زمین ورزشی محله ما تیر دروازه ندارد؛ برای همین بیشتر وقت ها با بچه ها در قسمتی از پارک که چمنش از بین رفته است فوتبال بازی می کنیم؛ الان هم منتظرم بقیه بچه ها بیایند تا بازی مان را شروع کنیم. نازنین خانم در ادامه صحبت های فرزندش می گوید: وجود این پارک برای اهالی محله ما موهبت بزرگی است، به ویژه اینکه در جوار مسجد قرار دارد و قبل و بعد از نماز با همسایه ها به اینجا می آییم. هم سر خود مان گرم می شود و هم بچه ها از بازی در محیطی امن و زیبای لذت می برند.

● جای خالی تاب و سرسره

دو سال پیش از شهرداری آمدند و چند ده اصله درخت و درختچه مقاوم در برابر کم آبی در این پارک کاشتند. در حال حاضر سرو و اقا قیا و زبان گنجشک از گونه های درختی غالب این بوستان محلی است که در فصول مختلف با گل های فصلی تزئین می شود. چمن پارک هم برخلاف خیلی از فضاهای سبز که از بین رفته است، حال و روز خوب و شادابی دارد.

علی اکبر عصمتی ۶۸ سال دارد. کت و شلوار بر تن مشغول استفاده از تجهیزات بدن سازی است. او می گوید: اینجا نشیمن خوب، روشنائی مناسب و تجهیزات ورزشی کاملی دارد. وقتی هوا خوب است، هم صبح ها به پارک می آییم و هم عصر. ای کاش در بخشی از این پارک چند تاب و سرسره هم می گذاشتند که برای بازی کودکان از این هم مناسب تر باشد.

بیشتر پیاده روی و ورزش است. هر چند عده ای از نشیمن پارک برای مطالعه و دورهمی های خانوادگی و دوستانه هم استفاده می کنند. حسین می گوید: این روزها هوا بهاری است، نه سرد و نه گرم. بیشتر وقت ها با بچه ها قرار می گذاریم و نیم ساعت قبل از نماز مغرب و عشاء در پارک دور هم جمع می شویم. اول ورزش می کنیم و بعد هم برای نماز جماعت به مسجد می رویم.

● موهبتی به نام بوستان محلی

قدم زدن در پارک ارکیده در این روزهای بهاری خیلی می چسبد! هوا خوب است و مادرها دست بچه هایشان را گرفته اند و در این فضای ورزشی و تفریحی خوش می گذرانند. نازنین حشمتی، یکی از اهالی است که با فرزندانش در این بوستان حاضر شده اند. محسن ۱۰ سال دارد و احسان ۸ سال. هر دو لباس ورزشی بر تن دارند و یک



رضاری ای اگر بگوییم بوستان خطی ارکیده یکی از مسیرهای جذاب پیاده روی و ورزش اهالی محله استاد یوسفی است. اغراق نکرده ایم. برای خیلی ها قدم زدن و ورزش کردن در این مسیر جذاب، زمستان و تابستان ندارد و بیشتری دائمی این فضای سبز هستند. صبح که می شود، اهالی در آن جمع می شوند و ورزش صبحگاهی به راه است؛ بقیه ساعات روز هم بوستان ارکیده، پاتوقی دل نشین برای نشستن و استفاده از فضای سبز شهری محسوب می شود.

● ورزش، قبل از اقامه نماز

بوستان ارکیده در سرتاسر خیابان استاد یوسفی ۲۷ امتداد دارد و از سمت دیگر به معبر شریعتی ۱۱ می رسد. این بوستان خطی بیش از یک هکتار وسعت دارد و از سال ۱۳۹۰ یکی از پاتوق های تفریحی اهالی محسوب می شود. برخلاف پارک هایی که ممکن است نا امن باشند، جو غالب این بوستان آرام است و همین باعث شده است افراد مختلفی از خیابان های دور و بر به آن رفت و آمد داشته باشند و از فضای دل نشینش استفاده کنند. شاید یکی از دلایل شلوغی و امنیت این فضای سبز، مسجد موسی بن جعفر (ع) باشد که در ابتدای خیابان استاد یوسفی ۲۷ و در مقابل این بوستان قرار دارد.

حسین نظری، از بچه های مسجدی محله، درباره این فضای سبز به ما می گوید: اینجا یک بوستان خطی است که برایش دوسری کامل از تجهیزات ورزشی در نظر گرفته اند که به فاصله دویست متر از هم قرار گرفته است. کاربرد این بوستان

محمد یاسین در روز چهارم رهبر شهید انقلاب ۴۰ درخت کاشت

نذر میوه برای بچه های بهزیستی

کاشتم. یک بار پدرم فیلمی به من نشان داد که رهبری در حال درخت کاری بودند. ایشان به این موضوع خیلی اهمیت می دادند و من نذر کرده ام هر سال روز چهارم شهادت ایشان، چهل درخت بکارم. البته امسال به یاد بچه های مدرسه میناب هم بودم و هر کدام از درختان را به نام ویاد یکی از بچه های شهید مدرسه شجره طیبه کاشته ام.

● چه درختانی کاشته ای؟

سیب، زرد آلو، گیلاس و آلبالو.

● با میوه هایش چه می کنی؟

نذر کرده ام هر سال میوه ها را به بچه های بهزیستی بدهم.

● تا حالا چند درخت کاشته ای؟

شاید نزدیک به صد درخت کاشته ام که بیشتر آن ها در باغ مادری ام در گوارشک بوده است. چند درخت هم در حیاط خانه و پارک و مدرسه کاشته ام.

● در زمینه درخت کاری کتابی خوانده ای؟

بله. از وقتی خواندن و نوشتن یاد گرفتم، چند کتاب خواندم؛ مثلاً کتاب «سیب ها چگونه رشد می کنند؟» و «ما یک درخت کاشتیم» که این یکی نشان می دهد یک درخت چگونه از یک نهال کوچک به درخت تنومند تبدیل می شود.

● آرزویت برای آینده چیست؟

دوست دارم یک باغ بزرگ میوه داشته باشم؛ آخر هفته به آنجا بروم و به درختان باغ رسیدگی کنم.



این درختان سیب، میوه می دهند و من این میوه ها را بین هم کلاسی هایم تقسیم می کنم.

● خاطره ای جالب از درخت کاری داری؟

یک بار خراب کاری خنده داری انجام دادم. وقتی خیلی بچه بودم، درختی را با مادرم کاشتم. او به من گفت: «هر دو روز باید این درخت را آب بدهی». روز بعد، درخت را از ریشه در آوردم و زیر شیر آب گرفتم! مادر گفت «محمد یاسین چه کار می کنی! باید با سطل به درخت آب بدهی.»

● شنیده ام داستان درخت کاری

امسال با کمک خانواده ام چهل درخت در روز

چهل شهادت رهبر شهید انقلاب در باغ مادری ام

ریاحی یاسین از کودکی با عشق و علاقه به درخت و درخت کاری بزرگ شده است. هر وقت که در خیابان و پیاده رو ها راه می رود، سرش را بالای می گیرد و جویای احوال درخت ها می شود. کمتر پسربچه ای است که در نه سالگی این طور درخت ها را بشناسد و هر سال خودش رامقید کند تا در روز درخت کاری، چند نهال بکارد. برای او باغ پدری و پارک سر کوچه و بیابان با هم فرقی ندارد؛ یاسین دوست دارد در گسترش فضای سبز محله و شهرش نقش داشته باشد.

محمد یاسین آخوندی، نوجوانی که همراه خانواده اش در محله نیروی هوایی سکونت دارد، امسال هم رویه درخت کاری اش را کنار گذاشت. او امسال به یاد رهبر شهید انقلاب که به درخت کاری علاقه ویژه ای داشتند و بچه های مدرسه میناب، این کار خدا پسندانه را انجام داده است.

● چه شد که به درخت کاری علاقه مند شدی؟

خانواده مادرم در بخش امروک روستای گوارشک، باغ میوه دارند. من از بچگی در این باغ ها بزرگ شدم و هر سال در کاشت نهال و چین میوه ها حضور داشتم؛ برای همین به درخت و درخت کاری علاقه مند شدم.

● چندسالت بود که این کار را شروع کردی؟

پنج سالم بود. دایی ام دست من را گرفت و به باغ برد. چند نهال سیب به من داد و گفت: «کاشت و مواظبت از این درختان با تو. هر وقت هم ثمره داد، میوه هایش را جمع کن و به هر کسی که دوست داری بده.» دوسه سالی است که





«ریحانه‌های بهشتی» همچنان می‌درخشند. این دختران هنرمند گروه سرود، روزهای پرکاری را سپری می‌کنند و با افتخار برای دفاع از آرمان‌های انقلاب هم‌نوایی می‌کنند. چهارراه صیاد شیرازی، بولوار حافظ و مجتمع تجاری «یاقوت» تازه‌ترین مکان‌هایی است که دختران این گروه در آن‌ها اجرا داشتند.

تصویر و متن از نرگس رضایی، سرپرست گروه، محله هنرستان



به همت شورای اجتماعی محله رضاشهر از خانواده شهدای جنگ تحمیلی سوم و شهدای هشت سال دفاع مقدس تجلیل شد. هفته گذشته بود که اهالی این محله در مسجد المهدی (عج) جمع شدند و یاد و خاطره شهید سعید شمقدری، شهید جنگ تحمیلی سوم، را گرامی داشتند. شهیدان ظهوریان، معدنی، خلیل‌زاده، بُرس غنچه و شارع مشهدی از جمله مدافعان جنگ هشت ساله بودند که در این مراسم از خانواده‌های آن‌ها نیز تجلیل شد.

تصویر و متن از احمد حسن‌زاده، رئیس شورای اجتماعی محله رضاشهر



محله به روایت شما

ما بسیجی‌های محله هاشمیه در مراسم چهلم رهبر شهیدمان و شهدای دانش‌آموز میناب در اجتماع عرصه میدان شهدا شرکت کردیم.

تصویر و متن از مریم شهربابکی، فعال فرهنگی محله هاشمیه



ما اهالی محله نیروی هوایی به عهد و پیمانی که با انقلاب و رهبرمان بسته‌ایم، پایبند می‌مانیم و تا زمانی که لازم باشد، در سرما و گرمای خیابان‌ها دور هم جمع می‌شویم، حتی اگر قرار باشد با خود از خانه پتوییاوریم و خانم‌های محله برای گرم کردن شهروندان، چای گرم درست کنند.

تصویر و متن از فاطمه آخوندی، فعال فرهنگی محله نیروی هوایی



بچه‌های دهه ۹۰ محله کوثر در اجتماعات شبانه این روزها دست به ابتکار جالبی زدند. آن‌ها موشک‌های آمریکایی و اسرائیلی درست کرده و بعد آن‌ها را منهدم می‌کنند. به هرکسی که این موشک‌ها را از بین ببرد، جایزه تعلق می‌گیرد.

تصویر و متن از نیک‌نژاد، فعال فرهنگی محله کوثر